

عمادالدین نسیمی و جایگاه او در شعر شیعی ترکی

علی احمدزاده/ دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس / aliahmadzadeh26@yahoo.com

خلیل پروینی/ دانشیار دانشگاه تربیت مدرس / parvini@modares.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۰۳/۰۹

چکیده

عمادالدین نسیمی، از شاعران متعهد شیعی، با عاطفه‌ای صادق و قلمی ساده و روان، اشعاری زیبا و دل‌انگیز در مدح و رثای پیامبر ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام ایشان به زبان ترکی سروده است. دیوان ترکی این شاعر نام‌دار ایرانی، بیان‌گر بخشی از فرهنگ و ادبیات این مرز و بوم است که تاکنون از لحاظ علمی به آن توجه نشده و غبار فراموشی هم‌چنان بر صفحات آن سنگینی می‌کند. این پژوهش که اساس آن توصیف و تحلیل است، به تحلیل بن‌مایه‌های شیعی و نقد ادبی دیوان نسیمی می‌پردازد و بدین ترتیب، بخشی از ادبیات و فرهنگ شیعی کشور را معرفی می‌کند که در قالب زبان غیرملی تبلور یافته است. نسیمی در دیوان ترکی، خود را ولایی نامیده و از ولایت و حقانیت اهل‌بیت علیهم‌السلام سخن گفته و در بیان بزرگی و کرامت پیامبر ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام و بیان مظلومیت آنها به ویژه امام حسین علیهم‌السلام، قلم‌فرسایی کرده است. وی شاعری صوفی است و هنگام سخن از اهل‌بیت علیهم‌السلام، بیش‌تر از آیات قرآنی و اصطلاحات عارفانه مانند «تجلی»، «وحدت وجود» و «کشف و شهود» استفاده می‌کند. شعر شیعی نسیمی، به دلیل نگرش واقع‌بینانه، بیش‌تر جنبه خطابی دارد و خیال شعری کم‌تر در آن به چشم می‌خورد. هم‌چنین شاعر تحت تأثیر آموزه‌های ادبیات عرفانی، در مدح اهل‌بیت علیهم‌السلام به تغزل نیز می‌پردازد. غزل او هر چند رنگ و بوی غزل انسانی و زمینی دارد، به دلیل آمیختگی با آیات قرآنی و اوصاف فرازمینی، غزل عرفانی و روحی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ادبیات متعهد شیعی، شعر ترکی، نسیمی، مضامین، نقد و تحلیل.

۱. مقدمه

۱-۱. ادبیات متعهد

التزام و تعهد در ادبیات به معنای علمی و اصطلاحی و به عنوان یک فکر منسجم و منظم، در اواخر قرن نوزدهم در اروپا ظهور کرد (منصوری، ۲۰۰۰، ص ۱۰۷) و در اصطلاح، به معنای نوعی هم‌بستگی و ارتباط به یک چیز خارج از درون است. به عبارت دیگر، التزام یعنی مصمم شدن ادیب برای دفاع از یک مسأله سیاسی، اجتماعی و هنری یا ابراز عقاید درونی خود به صورت آشکار از طریق خلق آثار ادبی. (همان، ص ۱۰۶) هدف شاعر در ادبیات متعهد، فقط شعرسرایی و ادب‌پردازی و به عبارتی، فقط بیان جنبه هنری نیست، بلکه شاعر متعهد، شعر خود را وسیله‌ای برای تعبیر از گرایش‌های بیرونی خود مانند وطن‌دوستی، دین، بحران‌های موجود در جامعه مثل فقر، بی‌سوادی و استعمار قرار می‌دهد و از آن‌جا که این حقایق را به صورت هنری و خلاق بیان می‌کند، در پیشبرد اهداف خود و تأثیر آن در جامعه موفق می‌شود.

شعر شیعی در زمره ادبیات اسلامی قرار دارد. شاعر در این نوع شعر، با سرودن مرثیه، مدح و هجا، به تبیین و ترویج عقاید شیعه از جمله اثبات حقانیت امام علی علیه السلام می‌پردازد، از حق اهل‌بیت علیهم السلام و جایگاه ایشان دفاع می‌کند و با سلاح شعر به مخالفان آنان حمله‌ور می‌شود. شعر شیعی به عنوان سندی تاریخی، بیانیه‌ای اعتقادی و رمز مقاومت شیعیان، توانسته است با زبان تاثیرگذار هنر، در برابر همه بی‌مهری‌ها بایستد و شیعه و باورهای آن را جاودانه کند. (پروینی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲۰) در واقع شاعر به عنوان یک عضو جامعه، رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با آن دارد و سروده‌های او که در مسیر تایید یک نظام و اندیشه و یا حزب و گروه خاصی است، در مردم نیز اثر می‌گذارد؛ زیرا شعر بر خلاف منطق و فلسفه و دیگر دانش‌های عقلی بشری، فقط عقل را مخاطب قرار نمی‌دهد؛ بلکه با زبانی هنری و خیالی، ابتدا روح و روان و سپس عقل و خرد را مخاطب می‌سازد و پس از نفوذ در عمق وجود شنونده، او را تحت تاثیر و تسلیم قرار می‌دهد. بدین‌گونه شاعر، با شعر

هدف‌دار خود می‌تواند سنگی به زیرینای اجتماعی جامعه بیفزاید و در آینده و سرنوشت جامعه خود، به طور مستقیم تاثیرگذار باشد. پیامبر ﷺ در مورد حسان بن ثابت فرمودند: «لَا زِلْتَ مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ، مَا نَصَرْنَا بِلِسَانِكَ؛ «تا زمانی که ما را با زبان خود یاری می‌کنی، جبرئیل یاور تو خواهد بود». (رازی، ۱۳۱۸، ج ۱۵، ص ۲۱۳) این حدیث نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ به اهمیت شعر متعهد و قدرت آن در پیشبرد اهداف خود در سطح جامعه و سوق دادن مردم به سمت خویش و غلبه بر حریفان و باطل کردن ادعاها و سیاست‌های آنها، به طور کامل آگاهی داشته‌اند.

۲-۱. عمادالدین نسیمی

در مورد مکان تولد و تاریخ وفات نسیمی، آرا و عقاید مختلفی وجود دارد. ابن حجر عسقلانی، شمس‌الدین محمد سخاوی و ابن عماد حنبلی معتقدند که او در تبریز زاده شد. (عسقلانی، ۱۹۷۱، ص ۲۱۹؛ سخاوی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۷۳؛ حنبلی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۴۴) رضاقلی‌خان هدایت بر این باور است که او در شیراز به دنیا آمد و به نظر عاشق چلبی او در بغداد چشم به جهان گشود. (نسیمی، ۱۳۹۲، ص ۵۰) میزآقا قلی‌زاده از دانشمندان آذربایجان، با تکیه بر قبر برادر نسیمی (شاه‌خندان که در شاماخی قرار دارد)، معتقد است که او در این شهر زاده شده و سال تولد نسیمی را ۱۳۶۹/۷۰ میلادی می‌داند. (آرتایان، ۱۹۲۸، ص ۲۶۴) اسم او «علی»، لقبش «عمادالدین»، کنیه‌اش «ابوالفضل» و دینش اسلام و مذهبش شیعه دوازده‌امامی بود و در شعر به «سید»، «هاشمی» و «نسیمی» تلخیص می‌کرد. (نسیمی، ۱۳۹۲، ص ۵۲) با تکیه بر اشعارش، می‌توان گفت که او از ترکمن‌های آق‌قویونلو بوده که مدتی در تبریز (۸۲۷-۸۸۲ق) حکومت می‌کردند. (همان، ص ۵۳)

بعد از وفات فضل‌الله نسیمی، رئیس «نهضت حروفیه»، عمادالدین نسیمی، جانشین او شد و حروفی‌ها به او لقب «امیر» دادند، هم‌چنان که در کتاب‌هایشان *استوارنامه* و *عرش‌نامه* نیز آمده است. (نسیمی، ۱۳۸۷، ص ۴۳) وی بعد از کشته‌شدن فضل‌الله و کشتار قلعه آیینجا،

به آسیای صغیر مهاجرت کرد. در شهر بورسه، عثمانی‌ها او را «زندیق» نامیدند و از شهر بیرون کردند. به ناچار نزد حاج بایرام ولی در شهر آنقره رفت و سپس به حلب کوچید و در آن شهر صاحب مریدانی چند شد. (نسیمی، ۱۳۹۲، ص ۵۴) نسیمی در شهر حلب در حالی که پوست او را زنده زنده از تنش کردند، به قتل رسید. (حلبی، ۱۹۳۵، جزء ۳، ص ۱۵-۱۶) عسقلانی تاریخ قتل او را ۸۲۱ قمری می‌داند. (عسقلانی، ۱۹۷۱، ص ۲۲۰) در کتاب‌های ریاض‌العارفین، و ریحانة‌الادب و مجالس‌العشاق، تاریخ کشته شدن او به ترتیب سال‌های ۸۳۷، ۸۰۷ و ۸۳۷ قمری ذکر شده است. بیش‌تر کسانی که درباره نسیمی و زندگانی او تحقیق کرده‌اند از جمله محمد فؤاد کوپرولو، عبدالباقی گولپینارلی، حسین اعیان و مرحوم مدرس تبریزی در کتاب ریحانة‌الادب، سال ۸۰۷ را تاریخ وفات او دانسته‌اند. (نسیمی، ۱۳۸۷، ص ۵۱) رشد فرهنگی نسیمی در یک بستر کاملاً ایرانی است. شعر او نیز سراسر متأثر از فرهنگ ایرانی است. در آثار ادبی و نوشته‌های او، هیچ بیگانگی با فرهنگ و ادب ایرانی وجود ندارد و در اشعار ترکی و فارسی‌اش، هیچ نوع هنجارشکنی و بیگانگی نسبت به اشعار شاعران ایرانی دیده نمی‌شود. علاوه بر خلاقیت‌های ادبی منحصر به فرد نسیمی، نمونه‌های فراوانی از اثرپذیری او از شاعران ایرانی مانند حافظ، مولوی و سعدی در دیوان ترکی و فارسی او به چشم می‌خورد. (نسیمی، ۱۳۹۲، ص ۵۷ - ۶۹) بنابراین، نسیمی یک شاعر ایرانی محسوب می‌شود و هر چند به زبان ترکی هم شعر سروده، نمی‌توان او را یک شاعر ترک بیگانه از ایران شمرد؛ زیرا قلمرو فرهنگ ادبی و شخصیتی او، همان فرهنگ رایج ایران و ترک‌زبانان ایرانی آن دوره است.

نسیمی از شاعران متعهد شیعه به شمار می‌آید و چکامه‌هایی به زبان ترکی در وصف اهل بیت علیهم‌السلام، سروده است. او در این چکامه‌ها، با اخلاص تمام، به مدح و بزرگداشت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته و نفرت خود را از ظالمان به این خاندان نشان داده و راه محبت خود را از آنها جدا نموده است. نسیمی هنگام نسبت دادن امری به اهل بیت علیهم‌السلام، به وفور به آیات قرآنی و احادیث معتبر استناد می‌کند. او در جوانی این

اشعار شیعی را سروده و بی‌شک، عنایت او به پیامبر ﷺ و اهل‌بیت، بعدها تأثیر مستقیمی در گرایش او به سمت و سوی عرفان داشته است، به عبارت دیگر، نسیمی از مدح اهل عرفان، خود نیز به عرفان رسید که به سبب صراحت زبان و افشای حقایق عرفانی، و نیز شاید به جهت همین صراحت در وصف اهل‌بیت ﷺ به ویژه امام علی ﷺ و دفاع از حقانیت ولایت ایشان، کوتاه‌بینان و دسیسه‌گران فتوای کشتنش را صادر کردند. ابیات ذیل گواه صادق التزام و پای‌بندی وی به مکتب اهل‌بیت ﷺ است:

جان و دلدن مصطفی و مرتضی مداحیام / هم بو اون ایکی إماما سؤیله رم
مدح و ثنا / کوری شمر و یزید و کوری مروان خر / مصطفی‌نین حضر تینه
قیلمیشام من إلتجا / خاندان مصطفانی سئومین ملعونلارا / او خورام بی حد
آنین جانینا لعنت دائما / یا ایلاها، مصطفی‌نین مرتضی‌نین حقیقچون / وئر
مورادیم، کاما ایره گور، حاجتیم قیلغیل روا. (نسیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵)
«از صمیم قلب، پیامبر و علی را مداحی می‌کنم / و مدح و ستایش خود را
ارزانی دوازده امام می‌نمایم / به کوری چشم شمر و یزید و مروان حمار / به
درگاه محمد مصطفی پناه آورده‌ام / بر نفرین‌شدگانی که از خاندان نبوت
دوری جسته‌اند / همیشه و بی‌اندازه و حساب لعن می‌فرستم / خدایا به حق
محمد و علی / مرا به کام دل برسان و حاجتم را روا کن!».

همان‌گونه که از این ابیات معلوم است، نسیمی در کوی اهل‌بیت ﷺ جای گرفته و خود را به دفاع از اهل‌بیت ﷺ و ستایش آن‌ها ملزم ساخته است. او علاوه بر معرفی امامان خود، به معرفی دشمن خود که همان دشمن اهل‌بیت ﷺ نیز است، اشاره می‌کند. نسیمی شرط قبول عبادت را محبت و دوستی خاندان نبوت می‌داند:

سن کیم رسولون آئینی سئومزسن ای پلید / طاعات و ذکر و خئیرین، اولور
جمله سی هبا. (همان، ص ۱۵۶)

«تو ای پلیدی که محبت خود را به اهل‌بیت، ارزانی نمی‌داری / همه
عبادت‌ها و راز و نیازهایت پوچ است.»

و بالاخره، آری گفتن به پیامبر ﷺ و مکتب او یعنی نه گفتن به دنیا و حاکمان آن:
کیم مُحبّ خاندانا، بنده اولدو صیدق ایله / اوینادار باشینی شاه اولیانین
عشقیینه (همان، ص ۱۷۳):
«هر کس با تمام وجود و از سر صداقت به پیامبر عشق بورزد/ سر خود را
به نشان اطاعت، فقط برای شاه اولیا فرو می‌آورد».

۱-۳. سوالات پژوهش

الف) مهم‌ترین نقش مایه‌ها و مضامین اشعار شیعی نسیمی در دیوان ترکی او چیست؟
ب) این مضامین از لحاظ نقد ادبی از چه ارزش ادبی‌ای برخوردار است؟

۱-۴. مواد و روش پژوهش

مهم‌ترین داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر، دیوان ترکی نسیمی است. روش خاص پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون‌متنی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام گرفت. بدین ترتیب که ابتدا به تحلیل محتوایی و استخراج نقش مایه‌های شعر شیعی وی پرداخته شد و سپس این مضامین در بوت‌نقد ادبی قرار گرفت. از مجموع کل دیوان حجیم ترکی نسیمی، ۲۹ قصیده در مورد اهل بیت علیهم‌السلام سروده شده است که به عنوان داده‌های خام این پژوهش، نقد و تحلیل می‌گردد.

۱-۵. پیشینه پژوهش

پژوهش علمی و دقیق به صورت آکادمیک، در حوزه دیوان ترکی نسیمی، صورت نگرفته و کتاب‌هایی که با عنوان دیوان ترکی نسیمی و مانند آن در ایران چاپ شده، علاوه بر غلط‌های املائی، ویژگی‌های شعری این شاعر را به طور عمیق و گسترده بررسی نکرده است. شاید بتوان گفت: علمی‌ترین و دقیق‌ترین کتاب در مورد دیوان ترکی نسیمی، کتاب

دکتر حسین محمدزاده با عنوان *دیوان ترکی نسیمی* است. این کتاب دارای ویژگی‌هایی علمی است که آن را از نگاشته‌های هم‌نام خود متمایز می‌کند؛ از جمله:

(الف) شرح برخی از ویژگی‌های شعری نسیمی؛

(ب) شرحی مبسوط از زندگی‌نامه نسیمی بر اساس منابع کهن و معاصر، همراه با نقد و تحلیل؛

(ج) تقسیم‌بندی موضوعی دیوان؛

(د) مشخص کردن انواع حروف صدادار و بی‌صدای ترکی با الفبای مخصوص؛

(ه) شرح برخی از واژگان ترکی متروک و یا کم‌استعمال و نیز شرح برخی از اصطلاحات عرفانی و ادبی.

البته در مورد دیوان فارسی نسیمی نیز پژوهش‌شایانی انجام نشده و این امر شاید به این دلیل است که این شاعر و آثار او، آن‌گونه که باید در کشور ما معرفی نشده است. امروزه تلاش گسترده‌ای در اروپا برای شناخت ادبیات‌هایی انجام می‌گیرد که به زبان غیرملی نگاشته شده است. درباره این نوع ادبیات که در کشور ما نیز از دوره‌های گذشته به وفور یافت می‌شود و به عنوان یک میراث منطقه‌ای، تشکیل‌دهنده بخشی از فرهنگ و ادب کل کشور به شمار می‌آید، باید تحقیق و بررسی گردد؛ زیرا «این ادبیات‌ها [غیرملی] به عنوان وسیله بیان فرهنگی، بایستی بازشناسی شده و بررسی شوند؛ یا به خاطر خودشان و یا مرتبط با زمینه‌هایی که آنها در آن جای می‌گیرند. ... ملاحظه می‌شود که امروزه به احیای این گستره‌های ادبی غیرملی توجه می‌شود». (شورل، ۱۳۸۶، ص ۴۸)

نسیمی جزء اولین شاعران ترکی است که مفاهیم شیعی را در قالب شعر سرود و در دیگر شاعران ترک، به ویژه شاعران دوره صفوی از جمله شیخی، شاه‌اسماعیل صفوی، حبیبی، اصولی، نباتی، فضولی و... تاثیر عمیقی نهاد. (نسیمی، ۱۳۸۷، ص ۹۵) علاوه بر این، مطالعه دیوان ترکی نسیمی می‌تواند جریان‌های فکری شیعی قبل از تشکیل دولت شیعی صفوی را آشکار نماید که زمینه را برای پیدایش و تشکیل این حکومت آماده کردند.

۲. تحلیل داده‌های پژوهش

۲-۱. مضامین شیعی محض

۲-۱-۱. مضامین انگیزشی - هیجانی

منظور از مضامین انگیزشی - هیجانی، مضامینی است که به ایجاد ارتباط میان مخاطب و شاعر می‌انجامد. بدین‌گونه که هدف شاعر از سرودن شعر، فقط بیان احساسات و عواطف درونی خود نیست؛ بلکه دنبال واکنش و انگیزش در مخاطب نیز است که این امر به دنبال تصاویر احساسی و عاطفی به وجود می‌آید که از عمق دل شاعر و صدق عاطفه او سرچشمه می‌گیرد. مضامین مربوط به عاشورا و امام حسین علیه السلام و فجایعی که در آن روز بر اهل بیت علیهم السلام تحمیل شد، از لحاظ انگیزشی - هیجانی، بیش‌ترین بسامد را در شعر شیعی به خود اختصاص داده است. بیش‌ترین ارتباط عاطفی و هیجانی نسیمی با مخاطب خود، به اشعاری مربوط می‌شود که در مظلومیت شهادت امام حسین علیه السلام سروده است:

اَلسُّونُ خَرَابَ بَصْرَه و هم کوفه اهلی، کیم / ایچینده اولدو فتنه دادار یا حسین / اول ضرب تیغ شمشیر خوارج، شها سنی / قتل ائیلهدی سنی نئجه به صد آزار یا حسین / ... اول دمده چرخ زیر و زبر پاره اولوبان / دوشمک گره‌کدی یئره به یکبار یا حسین / ای چرخ بی‌وفا! نهدن ائتدین قامو جفا / با اهل‌بیت احمد مختار، یا حسین / ... هم قالماسین بو دار جهان سنسیز اولماسین / نئیلهر اولوب بو مؤحتتله خوار یا حسین؛ (نسیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳)

«بصره و کوفه خرابه بادا / که عجب فتنه‌ای در آن برای تو رخ داد ای حسین / مولای من، آن ضربه شمشیر بران خوارج / با هزاران درد و رنج چگونه تو را شهید کرد / در آن لحظه تلخ باید چرخ و فلک تکه - پاره می‌گشت / و دردم از جا کنده و سرنگون می‌شد / ای بی‌وفا فلک، این همه ستم از بهر چه بود / که بر سر خاندان پیامبر آوردی! / بعد از تو این هستی پایدار مبادا / که با این مصیبت همه چیز پست و خوار شد یا حسین».

علاوه بر مفهوم این ابیات، استفاده از منادا و تکرار نام امام حسین علیه السلام در آخر هر بیت به عنوان ردیف و خطاب کردن زمین و زمان، بر اثرگذاری آن در دل مخاطب می‌افزاید. نسیمی در بعضی از اشعار خود، برای برانگیختن مخاطب و نفوذ به عمق دل او، تصاویر و مضامین احساسی و انگیزشی را از زبان طبیعت بیان می‌نماید و در این هنگام، مانند شاعری از مکتب ادبی رمانتیسم عمل می‌کند. نسیمی هر چند از شاعران «مکتب ادبی رمانتیسم» نیست و هیچ شناخت علمی و دقیقی از این مکتب ندارد، برخی از مضامین شعر شیعی او، هم‌خوانی کاملی با مضامین و اصول این مکتب دارد؛ مانند پناه بردن به دامن طبیعت و جان‌بخشی و تشخیص به عناصر آن، تا بدین‌گونه شرح حال دل خود را از زبان طبیعت بیان کند و مخاطب را نیز برانگیزاند؛ گویی وقتی مخاطب این نوع اشعار او را می‌خواند، همه طبیعت را در داغ شهادت امام حسین علیه السلام غمگین و دلسرد می‌بیند و در نتیجه، غم طبیعت به دل او نیز راه می‌یابد. باید یادآور شد که روح رمانتیکی در سراسر دوره‌های بشری به صورت موضوعی و فطری و ذاتی، در نهاد انسان‌ها و به ویژه شاعران وجود داشته؛ هر چند طی چند قرن اخیر به صورت علمی و اصطلاحی در مورد آن بحث و بررسی شده است. نسیمی در ابیات زیر، طبیعت را جزیی از احساس خود قرار داده، آن را به مثابه تجلی‌گاه احساس خود می‌بیند و به همین علت، تبیین و توصیف آن، ارتباطی مستقیم با حالت و تجربه درونی شاعر به سبب داغ شهادت امام حسین علیه السلام دارد و توصیف فضاهای حزن‌آلود طبیعت (گلستان و چمن‌زار و مجلس بزم و پرندگان آوازخوان...)، حاکی از حالت درونی حزن‌آلود او برای شهادت امام حسین علیه السلام است. در واقع نسیمی نیز مانند یک شاعر رمانتیک، به نوعی با طبیعت همزادپنداری می‌کند و «آن را به مانند خود دارای وجدان می‌بیند که عاشق می‌شود و خشم می‌ورزد و رویا می‌بیند و این چنین شاعر، آن را در احساسات خود شریک می‌گرداند» (غنیمی هلال، ۱۹۸۱، ص ۱۷۸):

تا ساچدی عالمه یئنه مشک سیه ضیا / قد بنفشه اولدو غم و دردیله دوتا /
قان اولدو لاله نین جیگری درد و داغ ایله / ساراردی سارو اولدو چمنلر چو
کهربا / ... قونچا چمنده دوپدولودور قان و دردیله / بولبول ده باغدا ناله قیلیر

وای حسرتا/ نرگس چمنده او یخویا وارماز بو دردیله/ گولشنده گول گله
 توتا گوزلرینی بکا/ آواز صوت نوظقونو اونوتدو عندلیب/ مجلسده چنگه
 چنگ اگر وورسان دئمز صدا (نسیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵ - ۱۵۶)؛

«به محض این‌که عطر سیاه [فرارسیدن محرم] در جهان، روشنایی پخش
 کرد/ قامت بنفشه از درد و اندوه خمیده گشت/ دل لاله از سوز و حسرت،
 خونین شد/ چمن زارها مانند کاه، خشک و زرد شد/... غنچه‌های چمن‌زار،
 غمگین و خون‌آلود گشته‌اند/ آواز بلبل در چمن‌زار، آه و ناله شده است/
 نرگس از شدت این درد یک لحظه آسایش ندارد/ اگر در گلستان گلی
 بشکفتد، چشمانش پر از سرشک می‌شود/ عندلیب نغمه‌سرای خود را
 فراموش کرده است/ اگر در محفلی بر چنگ بزنی، چنگ ساکت و گنگ
 خواهد بود».

«همدلی و یگانگی انسان با طبیعت، از اصول بنیادین هنر رمانتیک است؛ به ویژه در
 مواقعی که محیط طبیعی، شباهت تام و تمامی با حالات و وضعیت روح و ذهن فرد پیدا
 می‌کند. شاعر رمانتیک، طبیعت را توصیف نمی‌کند، بلکه درک درون‌گرایانه‌ای از آن ارائه
 می‌کند و با احساس خود اشیا و پدیده‌ها را تعبیر می‌کند». (فتوحی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴)

توصیف طبیعت در این ابیات از زبان نسیمی، مطابق با احساس و عاطفه یک شاعر
 رمانتیک است که طبیعت را نماد حالات درونی خویش قرار می‌دهد. در واقع طبیعت و
 اوصاف آن، میانجی تعبیر از روح و روان شاعر است که در غم شهادت مظلومانه امام
 حسین علیه السلام، رنگ ماتم و اندوه به خود گرفته و برای هر مخاطبی حزن‌آور است.

۲-۱-۲. مضامین اخلاقی - اجتماعی

نسیمی سعی در معرفی اخلاق پسندیده و اوصاف نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام دارد
 تا از این طریق، مردم را به سوی آنها جذب کند و ارزش‌های اخلاقی و نیز الگوهای اصلی و
 والا را در جامعه معرفی نماید. از سوی دیگر، اخلاق زشت دشمنان اهل بیت علیهم السلام را نیز

ترسیم می‌کند تا خود مردم به طور آشکار، قدرت تشخیص حق از باطل را داشته باشند و سره را از ناسره تشخیص دهند. بنابراین، بیش‌تر چکامه‌های شیعی وی مانند منشور اخلاقی است که در آن، شاعر به ترتیب اوصاف نیکوی پیامبر ﷺ و اهل بیت  را برای اجرایی شدن در بطن جامعه، معرفی می‌کند:

جو ورونه صبر و تحمل ائبله گیل / مشرکلرین / نئجه کیم گوردو رسول ایله
علی المرتضی / شربت ماء طهورا ایسترایسن غم یئمه / دؤور الیندن زهر نوش
ائت چون حسن، خلق رضا / گر بوگون بوندا سوسوز لوقدان اولورسان سن
شهید / یارین آندان حشر اولارسان با حسین کربلا / طاعتین فوت ائتمه گر
شئیطان سنی یول آزدیریر / قبیله دن دؤنده رمه یوزون، نئجه کیم زین العباد / ...
جعفر صادق مراتبین دیله رسن، صادق اول / صیدق ایله بو یولدا قول اول
بولاسان منزل علا / ... شول محمد مهدی کیمی عدل ائدیپ، جهد ائبله گیل /
هئچ گومان سیز مسکن اولا جنه الما و سنا. (نسیمی، ص ۱۵۷)

«بر ظلم و ستم کافران شککیا باش / آن‌گونه که پیامبر و علی شککیا بودند / اگر می‌خواهی از چشمه ماء طهورا سیراب شوی، غم مخور / مانند امام حسن نیکو اخلاق، از دست دشمن جام زهر را سرکش / اگر امروز در این دنیا از تشنگی شهید می‌شوی / فردا به خاطر این کار، با امام حسین محشور می‌گردد / اگر شیطان سعی در گمراهی تو دارد، تو از اطاعت خدا غافل مشو / و مانند امام زین العابدین باش و از قبله روی مگردان / ... اگر در پی رسیدن به مراتب امام صادق هستی، درستی پیشه گیر / ... مانند مهدی عدالت بورز و در راه تحقق آن تلاش کن / که بی‌تردید بهشت جایگاه تو خواهد شد».

نسیمی علاوه بر مدح اهل بیت  و بر شمردن اوصاف انسانی آنها، دشمن اهل بیت  را نیز افرادی خون‌ریز و دارای خلق و خوی ضد انسانی و بلکه حیوانی، وصف می‌کند تا از آنها در جامعه و حتی تاریخ همیشه به بدنامی یاد شود:

اول بوغازی کی اوپموش ایدی مصطفی بوکز / کسدی یزید کافر غدار یا حسین / لعنت یزیده گل‌سین آنین دوستلارینا / هر دمده سوئله رم یئنه صد بار یا حسین / صحرای کربلادا سنا قیلدیلار جفا / اول اهل ظولم لشکر کفار یا حسین / بیر شیمر بیر ایکی داخی ملعون ایله پلید / قتلینه سعی ائیله دی بسیار، یا حسین / سن شاهی کربلادا شهید ائتدی اول پلید / اوستونه ایردی چون سگ خون خوار یا حسین / (همان، ص ۱۶۳):

«آن گلوبی که پیامبر بر آن بوسه زده بود / یزید مکار و حيله‌گر برید، ای حسین / نفرین بر یزید و همراهان او / در هر دم زندگی صد بار ندا می‌کنم: یا حسین / در دشت کربلا به تو ظلم کردند / آن ظالمان و لشکر ملحد، ای حسین / شمر و چند ملعون بدسرشت / در کشتن تو چه تلاش‌ها که نکردند، ای حسین / شاهی مانند تو را در کربلا شهید کرد / و مانند سگی خون‌ریز به سوی تو هجوم آورد، ای حسین».

۳-۱-۲. مضامین تاریخی

در لابه‌لای اشعار شیعی نسیمی، گریزی به حوادث تاریخی نیز دیده می‌شود که هدف از آن بیشتر جنبه سیاسی، مسکوت کردن دشمن، مدح و غالب دانستن ممدوح، همراه با نشان دادن مدرک و سند تاریخی است. نسیمی در ابیات زیر، به چندین واقعه تاریخی در مورد امام علی علیه السلام، از جمله دلاوری حضرت در کندن درب قلعه یهودیان خیبر و کشتن پهلوان آنها به نام «مرحب» و هم‌چنین کشتن عمرو بن عبدود در جنگ خندق اشاره می‌کند:

به روز رزم اندرگاه مردی / میثال ببر در جولان، علی دیر / ز بهر دین و اسلام اول قیلیدیر / نئجه خیبر لری ویران / هزاران کافری چون عمر و عتتر / دؤیوب هم وئرمه یین امان علی دیر / ... مکان و معدن جود و سخاوت / بوگون در عرصه میثدان علی دیر (همان، ص ۱۷۱):

«در روز نبرد، آن‌گاه که شیر مردان برای جنگ طلبیده می‌شوند/ علی مانند
بیر در میدان نبرد در خروش است/ به خاطر دین و اسلام، علی/ خیرها
ویران کرده است/ کافرانی مانند عمرو و عنتر را/ تنها علی کشته و به آن دو
مجال نبرد نداده است... منیع و سرچشمه جود و بخشش/ در صحنه روزگار
فقط علی است.»

۴-۱-۲. مضامین سیاسی

بیش‌ترین بسامد مضامین سیاسی در شعر شیعی نسیمی، به مسأله خلافت امام علی علیه السلام مربوط است بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام از صحنه سیاسی برای مدتی دور ماندند و هر چند دوباره به اصرار مردم، امر خلافت به ایشان واگذار شد، در نهایت بنی‌امیه، سپس بنی‌مروان و بعد بنی‌عباس، فرزندان امام علی علیه السلام را از خلافت دور نگه داشتند. شاعران شیعی، همیشه در اشعار سیاسی خود به این موارد اشاره نموده و برای اثبات حقانیت و مشروعیت امر خلافت به دست حضرت علی علیه السلام و فرزندان آن امام، دلایل و مستندات خود را ذکر کرده‌اند.

نسیمی در دفاع از حقانیت حکومت شیعی و شرعی و قانونی بودن وراثت آن بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در اهل‌بیت علیهم السلام به چند مسأله از جمله ولایت، جایگاه امام علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و امام زمان (عج) احتجاج می‌کند که شرح آن بدین قرار است:

الف) ولایت

نسیمی «ولایت» را حق حضرت علی علیه السلام و یازده فرزند او از امام حسن علیه السلام تا امام زمان (عج) می‌داند که بعد از ایشان باید به این فرزندان منتقل می‌شد. به نظر نسیمی، همه دوازده امام وارثان ولایت هستند و بدین‌وسیله، به صورت تلویحی، مشروعیت حکومت‌های فاسد آن زمان را به جنجال می‌کشد:

ولی الله دئییر قرآن انا الحق / بونو حق بیلمه‌ین ایشی خطادیر / حسن دیر وارث ملک نبوت / حسین شاه شهید کربلادیر / ... تقی دیر با نقی سر ولایت / ولاکین عسکری صاحب لوادیر (همان، ص ۱۶۱)؛

«قرآن مرا جانشین خدا می‌داند و من بر حق هستم / هر کس این حقیقت را انکار کند، حق را انکار می‌کند / میراث نبوت به حسن رسیده است / و حسین سرور شهیدان کربلاست / راز ولایت در تقی و نقی نهفته است / حسن عسکری نیز پرچم‌دار ولایت است».

نسیمی خود را نیز «ولایی» می‌داند که سردمداران آن دوازده امام هستند:

ایچدیم بو کوثر باده سین، بولدوم ولایت بی بیان / توتدوم ولایت جاده سین، اثنا عشر اولدو عیان (همان، ص ۱۶۲)؛

«از شراب چشمه کوثر نوشیدم و بی‌درنگ به ولایت رهنمون شدم / راهی جاده ولایت شدم و دوازه امام در مسیرم نمایان شدند».

ب) استدلال به کرامت و شأن امام علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

عباسیان که منکر حق ولایت و خلافت در اهل بیت علیهم السلام بودند، ادعا می‌کردند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، حکومت از طریق دختر آن حضرت نمی‌تواند به امام علی علیه السلام و اولادشان برسد. بنابراین حکومت باید به فرزندان عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله برسد. نسیمی نیز در رد این ادعا، امام علی علیه السلام را یاور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند که همیشه در کنار او حضور داشت و سخنانی از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که بیان‌گر این است که امام علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله اعتبار خاصی داشتند و در واقع به منزله وزیر و جانشین ایشان بودند، لذا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام مستحق حکومت بر مسلمانان هستند:

کیم محمدی علی دن آیریر، لعنت آنا / لحمک لحمی دگیلمی یا علی سندن مدد (همان، ص ۱۶۰)؛

«نفرین خدا بر کسی باد که علی را نسبت به پیامبر بیگانه می‌شمارد! /
[پیامبر خطاب به علی گفت:] آیا غیر از این است که من و تو در هم عجین
گشته‌ایم».

حضرت محمد ﷺ و امام علی علیه السلام از یک نور واحدند که روشنایی عالم به سبب
وجود آنهاست:

لحمک لحمی بویوردو شأنینه آنین رسول / هم آنا من نور واحد دئدی
یکساندیر یئنه / ظلومت ایچره سر به سر عالم قالیردی تا به ابد / فئیضینیز
چون ایردی آخر لوظف احساندیر یئنه / ... اول و آخر محمد ظاهر و باطین
علی / کیم بیزه بونلار از لدن دین و ایماندیر یئنه (همان، ص ۱۶۴)؛
«پیامبر در مورد علی گفت: من و علی عجین هم گشته‌ایم / هم چنین باز
گفتند: من و علی از نور یکسانی هستیم / دنیا در تاریکی مطلق تا ابد می‌ماند /
اما به برکت پیامبر و علی، دنیا سراسر نیکی و خرمی شد / ... محمد ازلی و
ابدی است و علی درون است و برون / این دو از اول، دین و ایمان ما
بوده‌اند».

تکرار نام امام علی علیه السلام همراه اسم پیامبر ﷺ در آخر هر بیت به عنوان ردیف، و
شریک بودن آن امام با پیامبر ﷺ در برخی اوصاف عالی، همراه با استدلال به قرآن و
احادیث، نشان می‌دهد که فقط حضرت علی علیه السلام شایستگی آن را داشتند تا همدم
پیامبر ﷺ و جانشین ایشان شوند:

هر دو عالم سروری سیز یا محمد یا علی / جومله‌نین هم مئهری سیز یا
محمد یا علی / ... شانینیزده گلدی هم طه و یس، هل آتی / والضحی‌نین دفتری
سیز یا محمد یا علی / آیت لولاک ایلن هم لافتی نین معنسی / لحمک لحمی
بیری سیز یا محمد یا علی (همان، ص ۱۶۵)؛
«ای محمد و علی، شما سرور دو جهان هستید / سالار و بزرگوار همه ای
محمد و علی، شما هستید / ... سوره طه و یس و هل آتی در منزلت شما نازل
شد / ای محمد و علی شما تجلی والضحی هستید / مصداق آیه لولاک و لافتی /
و لحمک لحمی شما هستید ای محمد و علی».

ج) حضرت مهدی (عج)؛ منجی عالم بشریت از نسل امام علی (علیه السلام)

امام مهدی (علیه السلام) نواده امام علی (علیه السلام)، در نظر نسیمی و البته شیعه، در دوره غیبت، امام زمان هستند و نجات بشریت در آخر زمان به دست ایشان محقق خواهد شد. نسیمی هر چند به طور مستقیم از دشمنان شیعه نام نمی‌برد، این دلایل او به طور تلویحی، دشمنان و استدلال‌های آنها را نفی می‌کند و بیان‌گر این است که کسانی حق حاکمیت دارند که منجی بشریت نیز از نسل آنها باشد:

مهدی صاحب زمان، اول هادی انس و ملک / قاتل کفار اولدو، صاحب سنجاق لوا (همان، ص ۱۵۵)؛

«مهدی صاحب زمان، آن پیشوای بشر و فرشتگان / نابودگر کافران و حاکم و صاحب امر است».

نسیمی ظهور امام زمان (علیه السلام) را با امام علی (علیه السلام) پیوند می‌زند تا اشاره نماید که ولایت بعد از امام علی (علیه السلام) در خاندان ایشان زنجیروار ادامه داشته و اکنون که به دست حضرت مهدی (علیه السلام) رسیده؛ باید ظهور نماید تا حق را به صاحبان اصلی آن برساند:

واختی دیر قیلسان ظهور، ای سید آخرالزمان / گوستر آخیر یوزون، ای درج در لافتی (همان، ص ۱۵۷)؛

«زمان آن فرا رسیده است که ای سرور آخرالزمان ظهور کنی / و رخ خود بنمایی ای گوهر مخزن لافتی».

و نیز:

ای محمد مهدی صاحب زمان، ائتگیل ظهور / عالمی کفار توتدو یا علی سندن مدد (همان، ص ۱۶۰)؛

«ای مهدی صاحب زمان ظهور نمای / کافران جهان را فرا گرفته‌اند یا علی کمکی کن!»

و سرانجام امام مهدی (عج) شمشیر ولایت را از پدرش می‌گیرند و سوار بر اسب ایشان می‌شوند و پرچم ولایت را بر می‌افرازند و بدین ترتیب، همه را مات و مبهوت می‌کنند:

مهدی آلدی ذوالفقاری، میندی دولدول آتینا/ مشرک و منکر، منافق،
جومه‌سی مات اولدو مات (همان، ص ۱۶۸)؛
«مهدی ذوالفقار را به دست گرفت و سوار دلدل شد/ همه مشرکان و
منکران و منافقان مات و مبهوت شدند».

۵-۱-۲. مضامین شیعی عرفانی

۱-۵-۱-۲. شطحیات شیعی

بحث «شطح» از آموزه‌های ادبیات عرفانی به شمار می‌آید که در شعر شیعی نسیمی نفوذ کرده است. «شطح کاربرد عاطفی زبان است توسط صوفی و از آن جا که صوفی تجربه‌های ذهنی خاص خود را دارد، در این کاربرد عاطفی و آزاد، او هنجار عادی زبان را می‌شکند و غالباً این انحراف از هنجار، نوعی تشخیص به سخن او می‌دهد». (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۹) تجربه‌های عرفانی صوفیان به هیچ وجه برای ما روشن و قابل فهم نیست. از این تجربه‌ها، فقط سخنان آنها در دسترس ماست، که تنها از لحاظ معناشناسی و کاربرد زبان، برای ما مفید خواهد بود. به عبارت دیگر، از حال صوفیانه فقط قیل صوفیانه در اختیار ما قرار دارد. بنابراین طبیعی است که حالت روانی و درونی که صوفی در آن حالت، «شطح» گفته، خارج از دخل و تصرف ما باشد. از ویژگی‌های اصلی شطحیات، ساختار متضاد و متناقض‌نمای آن است که به ظاهر نوعی شوریدگی بر شریعت و دین نمایان می‌سازد که با آموزه‌های آن دو در تضاد است. نمونه بارز این عبارت «اناالحق» حلاج است. «حقیقت قضیه این است که می‌توان شطح را از دید «semantic» یعنی دلالت و معناشناسی تجاوز کرد. هنری به تابوها تلقی کرد». (همان، ص ۴۳۷) نسیمی ابیاتی چند به ویژه در مدح امام علی علیه السلام دارد که به علت صوفی‌مشرک بودن او، این ابیات را از حوزه اغراق و غلو بیرون کردیم و در قلمرو شطحیات گنجانندیم:

علی اول، علی آخیر، علی باطین، علی ظاهیر/ علی دیر نور ایلن انور، علی دیر
شمس مستنور.../ علی واحید علی اوحد، علی فرض و علی سنت/ علی دیر

جمله یه رحمت، علی دیر شافع محشر / علی سبحان، علی سولطان، علی رضوان / علی دین دیر، علی ایمان، علی دیر میر هر لشکر (نسیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷)؛

«علی ازلی است و ابدی و ظاهر است و باطن / علی نور در نور است و خورشید روشنایی بخش / ... علی واحد است و یکتا و واجب و فریضه / علی رحمت جهانیان است و شفیع روز محشر / علی سبحان است و سلطان و رضوان / علی دین و ایمان و سرلشکر هر سپاه است».

همچنین وی اوصاف خداوندی مانند جبار و جاویدان بودن را به امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نسبت

داده است:

نسیمی بیل کی یرده گویده جبار / کی دئر لر حی جاویدان، علی دیر (همان، ص ۱۷۱)؛

«ای نسیمی، بدان آن کسی که در آسمان و زمین ندا می دهند که او جبار / و زنده و جاویدان است، او همان علی است».

۲-۱-۵-۲. تغزل عرفانی شیعی

این نوع نگرش نسیمی به حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برخاسته از دید عرفانی اوست. «نزد صوفی‌ها، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اولین مخلوق است؛ زیرا ذات و حقیقت او در عالم غبار [عالم ذر] که اولین آفریده خداوند است، موجود بوده و زمانی که خداوند خواست در این عالم که همه چیز در آن به صورت بالقوه حضور داشت، تجلی کند، هر کدام از مخلوقات بر حسب نزدیکی خود به این نور، از آن برخوردار گشتند و چون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از همه موجودات به این نور نزدیک‌تر بود، پس مبدأ ظهور عالم و اولین آفریده خداوند گشت. صوفی‌ها معتقدند حقیقت و ذات محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود که به فرشتگان دستور داد در مقابلش سجده نمایند؛ زیرا همین ذات و حقیقت او بود که در پیشانی حضرت آدم می‌درخشید». (جوده

نصر، ۱۹۸۲، ص ۲۰۴ - ۲۰۵) نسیمی در وصف همین شخصیت روحانی به تغزل می‌پردازد که وجود عالم و هر چه در آن است، وابسته به این تجلی خدایی است:

سئودالی نرگسیندن دوشدو جهاننا غوغا/ ای حوسن ایچینده فیتنه، سر فیتنه‌ی
زمانسان/ یاندیردی کائناتی قند و نباتا لعین/ ای خسرو ملاحت، شیرین
شکر دهانسان (همان، ص ۱۹۴):

«نرگس چشمانت در جهان بلوا به پا کرد/ ای کسی که در دلربایی، دلربای
تمام دلرباها هستی/ لعل لبان دلچسب تو جهان را به کام آتش فرستاد/ ای
خسرو زیبایی، دهان تو شیرین و شکرین است.»

نسیمی از کلمات عاشقانه‌ای مانند «وصال»، «فراق»، «خط»، «خال» و «رخسار» در اشعار خود استفاده می‌کند و البته اشاره مستقیم به نام پیامبر ﷺ و کثرت استفاده از آیات قرآنی، غزل او را از حالت مادی و زمینی بودن خارج می‌سازد و به آن بعد ماورایی و فراخاکی می‌بخشد:

جمالین قبله اهل صفادیر/ وصالین کعبه و رکن و منادیر/ سنین بیر تار مو
زولفون اوجوندان/ ایکی عالم آنا یاریم بهادیر/... خط و خالیندا گوردو نور
و ظلمت/ ساچین واللیل، یوزون و الضحی دیر (همان، ص ۱۶۱):
«زیبایی تو قبله‌گاه مردمی است که به صفا می‌روند/ در کنار تو بودن، رسیدن
به کعبه و مناسبت/ ارزش یک تار موی تو/ دو برابر عالم هستی و آخرت
است/... خط و خال تو نور است و سیاهی/ زلفت واللیل است و رخت و
الضحی.»

از نکات قابل تأمل در این نوع شعر، تأویل تغزلی آیات قرآنی است که از نظر نسیمی، این آیات زیبایی و جمال روحی پیامبر ﷺ را بیان می‌کند:

قاشلارین انا فتحنا ای جمالین قاف و سین/ ای بویون چون قل تبارک گلدی
سدرالمنتهی/ أحسن التقویم سنسن ای ألم نشرح ساچین/ ای روخون شوق القمر
چون دوغدو و الشمس الضحی (همان، ص ۱۵۷):

«ای زیبایی تو آیه قاف و سین، ابروهای تو انا فتحناست / ای قامت تو بسان سخن خداوند سدر بلند قامت است / ای زلف تو الم نشرح، احسن التقویم تو هستی / ای که رخسارت مانند شق القمر و الشمس والضحی است.»

۳-۵-۱-۲. تداخل اصطلاحات عرفانی در مضامین شیعی

نسیمی شاعری صوفی است و ادبیات عارفانه و اصطلاحات عارفان در سراسر دیوان او - چه اشعار عرفانی محض و چه اشعار عرفانی در مدح اهل بیت علیهم‌السلام - موج می‌زند. «اصطلاحات رسمی [تصوف] عمدتاً اسم‌های معنی عربی و واژه‌های انتزاعی (abstract) هستند؛ مانند: تجلی، صحو، سکر، فنا، کرامت، پیر، همت، تکوین، سالک، سلوک، دلیل، استغنا، حیرت، توبه، زهد، تجلی، تجرد، رین، شین، حقیقت، حضرت، طمس، فنا و...». (فتوحی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲) نسیمی در ابیات شیعی زیر، به «وحدت وجود» اشاره می‌کند که چگونه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زیبایی او، شمع و روشنایی بخش وحدت وجود است. به عبارتی دیگر، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمودی از ذات خداوندی هستند:

وحدتین شمعی جمالیندیر، جمالین ایشته گور / جانلاری پروانه قیلدی ای
هیدایتدن ضیا (همان، ص ۱۵۷)؛

«اینک به زیبایی خود بنگر! زیبایی تو شمع وحدت است / که دل‌ها را مانند پروانه دنبال خود کشیده است. هدایت تو همان نور و روشنایی است.»
هم‌چنین به کشف و شهود عرفانی و نیز «وحدت وجود» اشاره می‌کند که حاصل سیراب شدن از چشمه آب کوثر است:

چون نسیمی محشرین حشریندن ایچدی کوثری / سر کشف اولدو قلوبو،
بولدو وحدت بارها (همان، ص ۱۵۷)؛

«چون نسیمی از آب کوثر در روز ازل، سیراب شده است / عالم اسرار دل‌ها گشته است و به وحدت رسیده است.»

این ابیات نیز اشاره‌ای است به «تجلی» و «وحدت وجود»:

وجودوم شهرینه گیردیم، دولو نور خدا گوردوم/ من اول نورون تجلی سین،
محمد مصطفی گوردوم/ یوزوندن پرده رفع اولدو، کی شکسیر ذات ایمیش
مطلق/ من اول سدره مقامیندا علی مرتضی گوردوم (همان، ص ۱۷۲):
«به درون نفس خود نگریستم که پر از نور خدا بود/ این نور تجلی محمد
مصطفی بود/ نقاب از رخت کنار کشید و ذات مطلق نمایان شد/ من نخستین
فرد در مکان سدره، علی مرتضی را دیدم».

۲-۲. نقد و تحلیل ادبی

نسیمی از لحاظ ساختار فنی و به‌کارگیری واژگان، از کلمات ساده، قابل فهم و وزن عروضی آرام استفاده کرده است. در برخی از اشعار که در قالب رثا سروده و حاوی برخی از مضامین رمانتیک، مانند همزادپنداری با طبیعت و استحاله در آن است، کلماتی را به کار برده که بیش‌تر بار عاطفی دارد تا با موضوع و فکر شعری هم‌خوانی داشته باشد؛ زیرا «تصویرگری مبتنی بر احساسات و عواطف» (ترحینی، ۱۹۹۵، ص ۱۴۲)، یکی از ویژگی‌های شعر رمانتیک است. علاوه بر این، نسیمی در اشعار خود به طور کامل از وزن شعری عربی (عروض) استفاده کرده و (از لحاظ کثرت کاربرد بحور شعری، به ترتیب از این اوزان استفاده نموده است:

الف) بحر رمل (۱۷ چکامه)؛ ب) بحر هزج (۷ چکامه)؛ ج) بحر مجتث (۴ چکامه)؛
د) بحر رجز (۱ چکامه).

بیش‌تر کلمات معجم شعری او از جمله کلمات آخر هر بیت که به عنوان قافیه به کار رفته، به جهت مطابقت با عروض عربی یا همان تفعله‌ها، فارسی و عربی است؛ در حالی که وزن بومی شعر ترکی، اوزان هجایی است. «اوزان هجایی، از کهن‌ترین زمان‌ها در شعر ترکی رایج بوده است و نخستین نمونه‌های آن را در دیوان لغات‌الترک می‌یابیم. روش هجایی بر

اساس تساوی هجایی مصراع‌ها و تناسب تقسیم آن‌ها استوار است. بنیان شعر هجایی، شمارش انگشتی (بارماق ساییسی) است. شعر هجایی در شعر ترکی، دارای انواع مختلف «دوتایی» تا «شانزده تایی» می‌تواند باشد». (محمدزاده، ۱۳۸۸، ص ۵۶ - ۵۷) علت تناسب وزن هجایی با شعر ترکی، به این علت است که کلمات اصیل ترکی، یا از هجای کوتاه (اینجه سس) یا از هجای بلند (قالینجه سس) درست شده‌اند و روشن است که کلمات ترکی با چنین ساختاری، با وزن شعری عربی که تفعله‌های آن از تعداد مختلف هجاهای بلند و کوتاه درست شده، هم‌خوانی کاملی ندارد؛ مگر این‌که شاعر یا باید از کلمات عربی و فارسی به صورت فراوان استفاده نماید و یا این‌که در برخی از کلمات ترکی دخل و تصرف کند تا متناسب با وزن عربی باشد. از انواع شعر هجایی در ترکی به «قوشما»، «گرایلی»، «بایاتی» و... می‌توان اشاره کرد. شهریار نیز شعر «حیدر بابایه سلام» را بر اساس وزن بومی ترکی یا همان هجایی از نوع «قوشما» سروده و به همین علت، کم‌تر از کلمات فارسی و عربی استفاده کرده است. از لحاظ ساختمان کلی قصیده، نسیمی به منظور معرفی اهل بیت علیهم‌السلام به جامعه خود و ترویج فرهنگ شیعی و انتقال آن به جان و دل مردم، قصاید خود را چنان قالب‌ریزی کرده که ابتدا به مدح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سپس امام علی علیه‌السلام و بعد بلافاصله به ترتیب، به مدح و منقبت سایر امامان می‌پردازد و قصیده را با مدح امام زمان (عج) به پایان می‌برد. از ۲۹ چکامه و قطعه نسیمی در مدح اهل بیت علیهم‌السلام، نیمی از آن چنین ساختاری دارند. نسیمی در قصایدی که فرم و شکل آنها در جهت اهداف واقع‌بینانه است، به طور مفصل در مورد بزرگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن می‌گوید و به آیه‌های قرآنی و احادیث زیادی استناد می‌کند. سپس امام علی علیه‌السلام را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ربط می‌دهد و در مورد ایشان نیز به آیه‌های قرآنی و احادیث استناد می‌کند.

از نظر عاطفه، نسیمی عاطفه‌ای صادق دارد و شعر او از عمق وجود برمی‌خیزد. البته عاطفه او در بالاترین مرتبه نیست؛ زیرا عاطفه در شعر او، در خدمت نگرش واقع‌بینانه قرار دارد. اما از لحاظ تصویرپردازی (خیال)، اگر بگوییم که «تصویر عبارت است از هر

گونه تصرف خیالی در زبان. این تعریف هم در بلاغت سنتی و هم در نقد ادبی جدید پذیرفته شده است. عموماً اصطلاح تصویرپردازی را برای کلیه کاربردهای زبان مجازی به کار می‌برند. در این مفهوم، تصویر عبارت است از: هرگونه کاربرد مجازی زبان که شامل همه صناعات و تمهیدات بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، نماد، اغراق، مبالغه، تلمیح، اسطوره، اسناد مجازی، تشخیص، حس‌آمیزی، پارادوکس و... می‌شود» (فتوحی، ۱۳۸۵، ص ۴۴)، زبان شعری نسیمی بیش‌تر واقعی و غیرمجازی است. چنان‌که در شعر او، تشبیهات قوی، و استعاره، کنایه و مجاز (عقلی، اسنادی) چشم‌گیری وجود ندارد و بیش‌تر تصاویر شعری او خشک و ایستاست؛ به طوری که گاهی از مرز مسند و مسندالیه و یا موصوف و صفت حقیقی بیرون نمی‌رود و معنا و مدلول در شعر او حقیقی است و بر ما وضع‌له خود دلالت می‌کند. نگرش کلی نسیمی واقع‌بینانه است؛ یعنی فقط به رثا و مدح اهل‌بیت علیهم‌السلام بسنده نکرده؛ بلکه زمان و مکان عصر خود را به زمان و مکان دوره اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز پیوند داده و با نگاهی واقع‌بینانه به اوضاع جامعه و اجتماع خود، اهل‌بیت علیهم‌السلام را نیز به آن جامعه کشانده و با بازخوانی شخصیت‌های آنها در بطن جامعه خود، در اصلاح جامعه و الگوسازی برای مردم کوشیده است. اگر در برخی مواقع و به ویژه در رثای امام حسین علیه‌السلام، رنگ و بوی عاطفه نیز در شعر او دیده می‌شود، باز این نگرش عاطفی در خدمت نگرش واقع‌بینانه است. این نوع نگرش، بر کل شعر شیعی نسیمی سیطره یافته و همه مضامین و محتوای شعری او، در خدمت نگرش واقع‌بینانه قرار گرفته که همان ترویج و نشر فرهنگ شیعی در جامعه مخالف است. نسیمی حتی در رثای امام حسین علیه‌السلام نیز آن‌جا که سخت عواطف را برانگیخته و غرق در حزن و ماتم است، ناگهان از این فضا خارج می‌شود و به مدح و معرفی دیگر امامان در جهت پیشبرد اهداف خود می‌پردازد. گویی ابتدا می‌خواهد بزرگی و کرامت امام حسین علیه‌السلام و مظلومیت ایشان را به تصویر بکشد و بعد از این‌که احساسات مخاطب را برانگیخت و با خود همراه و هم‌عقیده کرد و به عبارت دیگر راه ورود به دلش را باز نمود، به معرفی دیگر امامان می‌پردازد تا بگوید

این‌ها نیز از نسل همین امام مظلوم و بزرگ هستند و کسی که چنین امامی را می‌پذیرد، باید خاندان او را نیز قبول نماید. بدین صورت، مخاطب به طور ناخودآگاه تسلیم خواسته او می‌شود.

نگاه واقع‌بینانه نسیمی در معرفی اهل‌بیت علیهم‌السلام به جامعه، برای تقویت گرایش‌های شیعی خلاصه می‌گردد. او بیشتر درگیر مسأله ولایت و دوازده امام علیهم‌السلام و حقانیت آنها در آن جامعه بود؛ به همین سبب، در مورد حضرت فاطمه علیها‌السلام، حضرت زینب علیها‌السلام، و حضرت ابوالفضل، حضرت علی اکبر و حضرت علی اصغر شعر نمی‌سراید. در جامعه‌ای که بر طبل مخالفت می‌کوبید، نسیمی برای بیان عقاید خود، حال و مقتضای حال را رعایت می‌کند و زبان استدلالی و خطابی و تعلیمی و گاهی نثروار به کار می‌برد که به چاشنی شور و حرارت نیز آغشته است تا سخن خود را بر کرسی حق بنشانند. بدین ترتیب زبان شعری او جنبه خیالی و رمزی خود را از دست داده، زیرا «در نوشتار واقع‌گرا، واژه‌ها در معنی قاموسی خود به کار می‌روند و نماینده چیزی غیر از خود نیستند و ادراک آنها نیاز به درنگ و تأمل ندارد». (همان، ص ۴۹)

نتیجه

با توجه به سؤال اول پژوهش، نقش‌مایه‌های مختلفی در مورد اهل‌بیت علیهم‌السلام در شعر ترکی نسیمی به کار رفته است. نسیمی به سبب حزن درونی و انقباض روحی، مضامین رمانتیک را به کار برده و از زبان طبیعت و فضای گرفته و حزن‌آلود آن، پرده از اندوه خود برداشته است. او به منظور تأثیر بر مخاطب و انگیزش احساس و عاطفه او و ایجاد رابطه با ذهن و روان مخاطب، مضامینی را به کار برده که دارای بار معنایی عاطفی و انگیزشی باشد. هم‌چنین به منظور اعتلا بخشیدن به اهل‌بیت علیهم‌السلام و گرامی‌داشت شأن و مقام آنها، اوصاف اخلاقی و پسندیده آنها را به تصویر کشیده و در مقابل، اوصاف زشت دشمنان آنها را برملا کرده و گریزی نیز به حوادث تاریخی زده که این حوادث نیز اثبات‌کننده علو مقام و اعمال اخلاقی پسندیده و برگزیده آنها بوده است.

نسیمی از لحاظ سیاسی، بیش‌تر به مسأله حقانیت خلافت بعد از پیامبر در اهل‌بیت علیهم‌السلام اشاره کرده و برای اثبات آن، به برخی مسائل تاریخی نیز استدلال نموده است. اما در مورد مسأله عاشورا، با وجود این‌که این موضوع، بسامد بیش‌تری در دیوان او دارد، شاعر به جنبه سیاسی این حادثه و علل پیدایش و نیز فرجام آن اشاره‌ای نکرده؛ به طوری که نگرش او به این موضوع، بیش‌تر عاطفی و روانی است، بدون توجه به علل و اسباب آن. به نظر نسیمی، اگر مخالفان خلافت در اهل‌بیت علیهم‌السلام، از همان ابتدا، تسلیم امر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خلافت امام علی علیه‌السلام می‌شدند، دیگر کار به چنین فجایعی ختم نمی‌شد و علت فاجعه عاشورا نیز از مخالفت با خلافت حضرت ناشی می‌گردد. برای همین، برداشت سیاسی نسیمی، محصور در این امر (حقانیت ولایت امام علی علیه‌السلام شده که برداشتی درست است.

نسیمی شاعری صوفی است و از ادبیات صوفیانه استفاده می‌کند و شطحیات او نمونه بارزی از پیوند او با مکتب عرفان است. شطحیات وی بیش‌تر جنبه اخباری دارد و این امر نقطه ضعف او در برابر دشمنان است؛ زیرا به راحتی توانستند او را مانند حلاج به کفر و الحاد متهم کنند؛ در حالی که اگر این شطحیات جنبه هنری و انشائی داشتند، امکان توجیه و گمراه کردن مخاطب برای او وجود داشت. هم‌چنین وی به تغزل روحی و عرفانی در مدح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پردازد و تأویل تغزلی از آیات قرآنی دارد؛ گویی این آیات، نشان‌دهنده جمال و کمال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یا همان انسان کامل در ادبیات عرفانی است که در این هنگام شعرش رنگ رمزی نیز به خود می‌گیرد. شعر شیعی نسیمی، گویی در پی اثبات موضوعی است و سعی دارد به مخاطب مفهومی را تلقین نماید و افکار موجود در آن، برای همه قابل درک و فهم است و همه این مضامین در خدمت یک نگرش و یک عقیده و یک رسالت درونی است و آن هم معرفی شیعه به جامعه با یک نگاه واقع‌بینانه؛ که این نوع نگرش بر تمام ابزارها و تکنیک‌های شعری اثر گذاشته به گونه‌ای که به جهت رعایت اوضاع جامعه خود در شعرش، بیش‌تر اسلوب خطابی و نثرگونه را به کار می‌برد و عاطفه و قدرت خیال و

زبان مجازی همه در خدمت نگرش واقع‌بینانه است. البته خود موضوع و فکر شعری (اهلبیت علیهم‌السلام) نیز تا حدودی قلم مجازی و هنری و به عبارت بهتر دروغ‌پردازی هنری را نیز کند می‌سازد؛ زیرا دیگر مضامین شعری نسیمی از جمله خمیاریات، غزل‌ها و وصف طبیعت و... در دیوان‌های ترکی و به ویژه فارسی او، بیان‌گر اندیشه یک شاعر خلاق و مبتکر است.

یادداشت

۱. اعتقاد به تقدس حروف و اسماء قرآنی، در فرهنگ ایرانی اسلامی سابقه‌ای دراز دارد؛ به طوری که از آغاز بعثت و ظهور قرآن، بسیاری از مسلمانان حروف مقطعه را رمزی میان خدا و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دانستند که مسلمانان عادی از درک و فهم آن عاجز بودند. اعتقاد به رمز حروف قرآن، رفته‌رفته فرقه‌های گوناگونی را در سرزمین‌های اسلامی به وجود آورد. اصالت حروف و ارزش رمزی آنها به تدریج در میان مسلمانان و فرقه‌های صوفیه گسترش فراوان یافت و به صورت علم مخصوصی درآمد که علم جفر تکامل‌یافته آن است. در سال‌های حاکمیت تیموریان، به علم جفر اهمیت داده شد. درویشان در علم اسرار حروف و نقطه، خود را صاحب کشف و کرامت دانسته، کتاب‌هایی در تشریح اسرار حروف و معنای نقطه‌های قرآن نوشتند. آثار و اشعار رهبران حروفیه و نقطویه (پسیخانیان) هرچند به جهت اوضاع خاص مذهبی-سیاسی به مضامین و اصطلاحات عرفانی آمیخته، مطالعه دقیق این آثار، افکار مترقی و آتئیستی آنها را آشکار می‌کند. (میرفطروس، بی تا، ص ۳۰-۳۲)

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۱۵، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۱۸.
۲. اسماعیل حکمت، آرتایان، *آذربایجان ادبیاتی تاریخی*، باکو، ۱۹۲۸.
۳. پروینی، خلیل و دیگران، «کارکرد تصویر هنری در شعر شیعی» (بررسی موردی شعر ابوفراس حمدانی، شریف رضی و مهیار دیلمی)، *فصلنامه لسان مبین* (پژوهش ادب عربی)، سال سوم، شماره هشتم، تابستان ۱۳۹۱.
۴. ترحینی، فایز، *الادب؛ انواع و مذاهب*، ط. الاولى، بیروت: دارالنخيل، ۱۹۹۵.
۵. جوده نصر، عاطف، *شعر عمر بن الفارض (دراسة فی فن الشعر الصوفي)*، بیروت: دار الاندلس، ۱۹۸۲.
۶. حلبی، محمد بن راغب، *اعلام النبلاء فی تاریخ حلب الشهباء*، حلب: مطبعة العلمية، ۱۹۳۵.
۷. حنبلی، ابن عماد، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، ج ۷، بیروت: بی تا.
۸. سخاوی، شمس الدین، *الضوء اللامع لأهل القرن التاسع*، قاهره: بی تا.
۹. شیعی کدکنی، محمدرضا، *زبان شعر در نشر صوفیه (درآمدی به سبک شناسی نگاه عرفانی)*، تهران: سخن، ۱۳۹۲.
۱۰. شورل، ایو، *ادبیات تطبیقی*، ترجمه طهمورث ساجدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۱۱. عسقلانی، ابن حجر، *انباء الغمر فی ابناء العمر*، تحقیق و تعلیق دکتر حسن حبشی، ج ۲، قاهره: ۱۹۷۱.
۱۲. غنیمی هلال، محمد، *الرومانتیکیة*، ط. السادسة، بیروت: دارالعودة، ۱۹۸۱.
۱۳. فتوحی، محمود، *بلاغت تصویر*، چاپ دوم، تهران: سخن، ۱۳۸۹.
۱۴. گازرگاهی، امیر کمال الدین حسین، *مجالس العشاق*، چاپ غلامرضا طباطبایی مجد، نشر زرین، ۱۳۷۶.
۱۵. محمدزاده صدیق، حسین و منیژه شیرمحمدی، *عروض در شعر ترکی*، تهران: تکدرخت، ۱۳۸۸.
۱۶. مدرس تبریزی، میرزا محمد علی، *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب*، ج ۶، تهران: خیام، ۱۳۶۹.
۱۷. المنصوری، علی جابر، *النقد الادبی الحديث*، عمان: دارعمار، ۲۰۰۰.
۱۸. میرفطروس، علی، *جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان*، چاپ دوم، بامداد، بی تا.

۱۹. نسیمی، عمادالدین، دیوان اشعار ترکی نسیمی، تصحیح، تحشیه و مقدمه دکتر حسین محمدزاده صدیق، چاپ دوم، تبریز: نشر اختر، ۱۳۸۷.
۲۰. _____، دیوان اشعار فارسی، تصحیح سیداحسان شکرخدایی و نرگس‌سادات شکرخدایی، تهران: تکدرخت، ۱۳۹۲.
۲۱. هدایت، رضاقلی‌خان، ریاض‌العارفین، به کوشش مهرعلی گرگانی، تهران: کتاب‌فروشی محمودی، ۱۳۴۴.